

بن بست وجود ندارد: فرماندهی واحد اقتصادی

در زمانه‌ی جنگ، باید قرارگاه فرماندهی ثابتی وجود داشته باشد که همه‌ی بخش‌ها اقدامات خود را با آن هماهنگ کنند، و گرنه ممکن است هر یک از جبهه‌ها به سلیقه‌ی شخصی عمل کرده و خدای نکرده حتی منجر به صدمات به جبهه‌ی خودی شوند. در جنگ اقتصادی امروز نیز، ستاد فرماندهی جنگ اقتصادی، «تیم اقتصادی» دولت است، این تیم اقتصادی دولت است که برای جلوگیری از صدمات و لطمات به اقتصاد کشور، باید «میاندار» و محور اصلی کار و تحرک باشد. چراکه «بر طبق قانون اساسی، رئیس‌جمهور از امکانات بسیار گسترده‌ای در کشور برخوردار است؛ خیلی از کارها را می‌تواند انجام بدهند؛ از این امکاناتی که در اختیار دارند استفاده کنند، ظرفیت‌های داخلی را بالفعل کنند.» (۱۴/۰۳/۱۳۹۶) مضافاً اینکه رهبر انقلاب، برای تسهیل بیشتر امورات، با راه‌اندازی "شورای عالی هماهنگی اقتصادی سه قوه" بر محور شخص "رئیس‌جمهور"، عملاً دست دولت را برای حل مشکلات اقتصادی کشور بازتر کرده‌اند.

حمایت از کالای ایرانی
تابلوساسی
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه‌ها و جریانه‌ها
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۵۹ / شنبه ۶ مرداد ۱۳۹۹

نعره شیر و زوزه گفتارها

جوان: تردیدی نیست که ایران در شرایط یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است. این جنگ اقتصادی با ارباب و تهدید و جنگ روانی و تبلیغاتی پرشدت نیز همراه است تا هدف علنی براندازی و تسلیم در مقابل امریکا محقق شود. مواضع تهدیدآمیز مقامات امریکا نیز کارکردی معادل مؤثر واقع شدن فشارهای روانی و اقتصادی است که در دو ماه اخیر با اهانت به مقامات و کشور و ملت ایران همراه شده است. پاسخ دکتر روحانی و سپس مواضع سردار سلیمانی، همچون نعره شیر، ارکان و محاسبات امریکا، رژیم صهیونیستی و شرکای نقابدار عرب را به لرزه انداخته است. همزمانی هشدارهای سردار سلیمانی با هدف قرار گرفتن ناو جنگی سعودی همانند لحظه سخنرانی سیدحسن نصرالله و هدف قرار گرفتن ناوچه ساعر اسرائیلی در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ بود. در مقابل مواضع سردار سلیمانی، زوزه گفتارهای داخلی و خارجی را شاهد هستیم. زوزه داخلی کسانی که اگر مزدور خارجی در بدنه نظام نباشند، ولی با یدک کشیدن عنوان‌های استاد دانشگاه و دیپلمات سابق و... جاده صاف‌کن دشمن و هم‌تراز کسانی هستند که اقتصاد کشور را در چهار دوره حکومتی به امروز رسانده‌اند. زوزه گفتارهای اسرائیلی هم پس از امیدهای فراوانی که به تروریست‌های تکفیری-وهابی بسته بودند، با دستپاچگی به فراری دادن کلاه‌سفیدها از سوریه و مطالبات التماسی برای باقی‌نماندن ایران در سوریه و یا پنهان شدن پشت سر امریکا و غرب دلالت دارد. مرحله اخراج امریکا در سطح ساختارهای رسمی و منطقه‌ای شروع شده است و این پاسخ به جنگ امریکا و ایادی آنهاست. امروزه جنگ، اقتصادی، نرم و جنگ نفوذ است.

ایران هشدارهای ترامپ نادیده گرفته است.

رویترز: فرمانده سپاه قدس ایران به ترامپ گفت: من را تهدید کن نه روحانی»، «قاسم سلیمانی روز پنجشنبه اعلام کرد که به عنوان یک سرباز موظفم پاسخ تهدیدهای ترامپ را بدهم. اگر او می‌خواهد از زبان تهدید استفاده کند، باید با من صحبت کند نه حسن روحانی، رئیس‌جمهور». (رویترز نوشت): «ایران هشدارهای ترامپ در توییت‌ها را که مدعی شده بود تهران در صورت ادامه تهدید آمریکا، با تبعات بدی مواجه خواهد بود، نادیده گرفته است.»

تاکتیک فوتبالی در دنیای سیاست

شرق: به تصدیق اکثر کارشناسان نظامی، اولین قدرت نظامی دنیا متعلق به ایالات متحده آمریکا است. اما این اعتراف به معنای ترس یا پذیرش تسلیم و قبول شکست نیست. همچنان که پذیرش قدرت فوتبال اسپانیا به معنی قبول شکست نبود اگر بخواهیم از تاکتیک فوتبالی کی‌روش در صحنه سیاست درس بگیریم، باید قبل از هرگونه تهدید و حمله چشم‌پسته، در اولین گام از زمین خود مراقبت کنیم و با یک دفاع منطقی به شکلی عمل کنیم که حریف نتواند در زمین ما راهی به دروازه پیدا کند. اما آیا امروز در این بازی سیاسی ما این‌گونه عمل کرده و می‌کنیم؟ به راستی تاکتیک ما در این میدان چیست؟ درس فوتبالی برای سیاست می‌تواند این باشد که قبل از رسیدن به زمین و دروازه حریف، باید موقعیت خود را تثبیت کنیم. نقاط ضعفی که امروز دشمنان ما می‌توانند از آن مسیر به ما ضربه بزنند و حتی در نیمه اول ما را گل‌باران کنند شناسایی کرده و قبل از هر کار، آنها را برطرف کنیم و گرنه ما یک تیم ازپیش‌باخته‌ایم... نکته قابل توجه اینکه، امروز در دنیا دولتی قدرتمند است که از حمایت همه جانبه مردمش برخوردار باشد. حمایت ملی از دولت، مهم‌ترین عامل بازدارندگی است که مانع از تجاوز دولت‌های استعماری به آن کشور می‌شود. آیا حال و هوای امروز ایران می‌تواند این پیام را به سایر کشورها مخابره کند؟ وقتی مسئولان نظام خود معترف اند که بسیاری از مشکلات موجود در کشور ناشی از موضوع تحریم نیست و این مشکلات به ساختار مدیریتی برمی‌گردد، پس مشخص می‌شود با توجه به حجم مشکلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک ناکارآمدی کامل در سیستم اداری کشور وجود دارد. نباید فراموش کرد که استعمارگران صحنه سیاسی امروز، به دلیل قدرت و فشار افکار عمومی جهان مهم‌ترین تاکتیک خود را بازی در زمین حریف انتخاب کرده و از شرایط موجود آنها برای ضربه زدن به خودشان بهره می‌گیرند؛ همان کاری که در لیبی، سوریه، عراق و افغانستان کردند. ما نمی‌توانیم نقش دولت‌های لیبی، سوریه و عراق را در وضعیتی که امروز دارند، نادیده بگیریم.

آیا مشکل مدیریت ما، پیری است؟

اعتماد: آیا مشکل مدیریت کشور پیری مدیران است؟ به نظر می‌رسد که مشکل چیز دیگری است و پیری فقط یکی از عوارض آن است... مشکل مدیریت و ساختار تصمیم‌گیری در ایران گوناگون است. ولی مهم‌ترین آنها، دایره بسته مدیران است. دایره‌ای که عموماً محدود به مجموعه‌ای از افراد است که ابراز ارادت می‌کنند یا در گذشته چنین کرده‌اند. مشکل نگاه تیول‌داری به پست و مقام است. تا هنگامی که پست و مقام دارند ولی هیچ ضرورتی به پاسخ‌گویی نبوده و شفافیت، شعاری بیش نباشد، از این بهتر نخواهد شد. در این ساختار مدیریتی حتی نیروهای کارآمد نیز به مرور زمان ضعیف می‌شوند... در این ساختار کمتر کسی جرئت می‌کند که خلاف منویات رئیس سخن بگوید... ولی چرا این مدیران پیر شدند. چون پست را به تیول خود درآوردند، در این ساختار فقط مرگ است که فرد را از میز جدا می‌کند... باید لیاقت‌سالاری جایگزین ارادت‌سالاری شود. مدیر جوانی که استقلال نداشته باشد، مسئولیت‌ناپذیر باشد، بله‌قربان‌گو باشد، صلاحیت حرفه‌ای نداشته باشد، از مدیر پیر فعلی اگر بدتر نباشد، بهتر نیست.

راهبرد فرامنطقه‌ای

صبح نو: حالا که ترامپ، تاجر بی پروا سرگرم مواجهه با رقبای اقتصادی و سیاسی خویش است و ایران و چین و اروپا را همزمان مورد حمله قرار داده، آیا می‌توان یادآوری کرد سال‌هایی نه چندان دور و شخصیت‌هایی نه چندان ناشناخته را که با همه وجود تلاش می‌کردند گزینه روی میز ایران را به‌زعم خویش در حد گفتار و گفت‌وگو و مصالحه محدود کنند. آن‌هایی که حتی به مقدمات مذاکره نیز توجه نداشتند و چنان سرمست و ناآشنا به روال‌های حاکم بر جهان بودند که در گوش‌شان فرو نمی‌رفت اگر روی زمین توانمندی نداشته باشی، در هیچ مذاکره‌ای پیروز نخواهی شد. کجایند استراتژیست‌های قلم به دستی که هر روز ۱۰ یا ۱۵ فرمان سیاسی برای کشور صادر می‌کردند که خودتان را (منظورشان ایدئولوژی و توان نظامی و قدرت منطقه‌ای بود) اصلاح کنید تا بعد جامعه جهانی شما را بپذیرند... همین جامعه جهانی که حیوانی‌ترین و دیوانه‌کننده‌ترین قواعد بر آن حکم فرماست. جالب این‌که هنوز هم هستند کسانی که می‌گویند چرا به رییس‌جمهوری بی‌ادب و بی‌منطق آمریکا، پاسخ می‌دهید، بروید به اوپاما زنگ بزنید تا دل جمهوری‌خواهان بسوزد! خداراشکر که مقتضیات کلان کشور هیچ‌گاه در اختیار این تفکر نیفتاده و باید تأسف خورد به لحظات مفصلی که آن‌ها در محیط اجرایی حضور داشته‌اند و هیچ خدمتی به گزینه‌های مهم روی میز ایران نکرده‌اند.

ورق جنگ یمن برگشت

خراسان: سعودی‌ها همواره از یک ضعف ژئوپولیتیکی بسیار حساس رنج می‌برند و آن راه نداشتن به آب‌های آزاد است. مشکلی که با حمله عربستان به عمان در سال ۱۹۵۲ و تصرف بخشی از خاک این کشور به همین منظور با مقاومت عمانی‌ها با شکست مواجه شد. هم ایران می‌داند نقش یمن در منطقه و به ویژه تنگه باب‌المنندب چیست و هم عربستان و قدرت‌های جهانی. بنابراین تسلط انصارا... بر یمن به ویژه تنگه باب‌المنندب به منزله محاصره عربستان در حیطه قدرت جریان مقاومت است. همان چیزی که عربستان از آن می‌ترسید و به منظور غلبه بر ضعف ژئوپولیتیکی خود، به یمن حمله کرد. حالا نیز عربستان خیلی دیر متوجه تنگ شدن حلقه محاصره اش شده است و می‌توان گفت به تمامی چموش بازی‌های این کشور علیه جریان مقاومت پاسخ داده شده و این کشور به رغم تکیه بر بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی جهان، دستاورد قابل قبولی نداشته و نخواهد داشت. گسترش دامنه جنگ یمن با حمایت اروپایی‌ها در حمله به الحدیده با هدف جداسازی بخش‌های غربی یمن (تسلط بر تنگه استراتژیک باب‌المنندب) در همین راستا ارزیابی می‌شود. اما شاید حامیان غربی عربستان کمتر تصور می‌کردند که انصارا... توانایی‌های بالقوه‌ای دارد که تاکنون مورد استفاده قرار نداده است. بنابراین استفاده انصارا... از پهپادهای نظامی و هدف قرار دادن تاسیسات نفتی آرامکوی عربستان، فرودگاه ابوظبی و ناو جنگی عربستان در دریا هشدار می‌دهد که به ائتلاف سعودی مبنی بر این‌که ورق جنگ علیه یمن برگشته و غرب آسیا باید آماده دریافت پاسخ‌های غیرقابل باوری باشد.

پشت صحنه حمایت از پیام‌رسان‌ها / از تلگرام در عمل، از داخلی‌ها در حرف!

کیهان: دولت همواره تب بالایی در جانبداری از تلگرام داشته است. این روند هنوز هم با پشتیبانی زیرساختی از هاتگرام و تلگرام طلایی یا همان پوسته‌های غیرقانونی که فیلترشکن تلگرام است، ادامه دارد. زنگ فیلترینگ تلگرام هرگاه به صدا در می‌آید، دولت ژست منتقد گرفته و تمام قد در هواداری آن برمی‌خاست؛ به ویژه آنکه این طرفداری‌ها و فضا سازی رسانه‌های مدعی اصلاح‌طلبی براساس آن، نقش بمب صوتی و نارنجک دودزا را هم در آشفته‌گی‌های ارزی بازی می‌کرد.. اطلاعات ۴۰ میلیون کاربر ایرانی پردازش می‌شد و داده‌های حجیم به وجود می‌آمد و به این ترتیب تلگرام به علایق و الگوهای رفتاری مردم دست می‌یافت و آنها را به دشمنان می‌فروخت. علیرغم آسیب‌های متعدد تلگرام در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی، توان داخلی گسترده در زمینه شبکه‌های اجتماعی و فیلترینگ قضایی تلگرام، حمایت دولت از پوسته‌های غیرقانونی این پیام‌رسان، سایه ابهامات را سنگین کرده است. آیا چتر حمایت دولت روی تلگرام و هاتگرام و تلگرام طلایی ابزار پیشبرد اهداف سیاسی قرار گرفته است؟ مقاطع مختلف فعالیت این پیام‌رسان، پیش از فیلترینگ و پس از آن، سنگ محک جدی برای آزمودن اهتمام دولت به توان داخلی نبوده است؟ اولویت دولت منافع ملی و پیشرفت کشور است یا مصالح حزبی؟ دود حساسیت خاص دولت روی تلگرام جز در چشم منافع ملی و مصالح کشور می‌رود؟ در مدتی که تلگرام فیلتر شد پیام‌رسان‌های داخلی رونق گرفتند تا جایی که تعداد اعضای آنها به بیش از ده میلیون نفر هم رسید اما رویه غلط دولت، فعالیت آنها را تحت‌الشعاع قرار داد. دولت تا کی می‌خواهد اجازه تاختن به اسب سرکش تلگرام بدهد؟ و بالاخره یک سوال ساده؛ چرا آمریکایی‌ها این قدر نگران ادامه فعالیت بدون محدودیت و نظارت تلگرام در ایران هستند و می‌خواهند به هر قیمتی این فعالیت ادامه یابد؟ تلگرام کجای پازل بزرگ آمریکایی‌هاست؟

